




خطی « فهرست شده »
 ۸۲۵۲

 کتابخانه مجلس شورای ملی			
کتاب: فصول الحساب			
مؤلف: ابرو فیض زاده		شماره ثبت کتاب:	
موضوع:		۴۹۲۱۹ ۸۱۹۴۴	
شماره قفسه: ۲۴۸۷۲		۸۲۵۲	

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 ۱۰۱۴۲
 ۱۳۰۲

بازرسی شد
 ۶ - ۳۷

بازدید شد
 ۱۳۸۲

والتعلم

فَعُولٌ فَعُولٌ فَعُولٌ

نوع است و بود و بود و بود
عنون سوم چشم بلیواست کند

بود لوزی المئی تیز را

حقیق جویر فین جری

سند و ارجا کیر و اخذ را

غفنا و هیدم جها شیر

صفتی به اندیش را

خرد الفیت نهی است جری
نیز در رسم غریب

نکاحی

نکاحی در جری تیز و تیز

دکا و نکاحی زیر عقل را

القطعه الثانی فی بحر المجت

زهی بکشت جانها و

رخ زویر فلک دلی به تان

مفاعیل فعاتل مفاعیل فعاتل

بلوچت و این بحر انوشهر

ضیا و غنای شایان

فتی خفیف و ان سبک و ان

ذهب استعدید و این بحر

دست لغز زلال و این بحر

نکاحی در جری تیز و تیز

نکاحی در جری تیز و تیز

لجی بسم و خلیع ایلینه معدن کان

نحاسی و مسی و دی انگست سب

حلیت یور و غالی کول خصلت

سبب خزان و سیلف و صاب و صاب و صاب

محنت و سوز و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

عجایب و غم

عجایب و غم و غم و غم و غم و غم

کولم خستکی و غم و غم و غم

حسنا و غم و غم و غم و غم و غم

قراضه و غم و غم و غم و غم و غم

لغوت و غم و غم و غم و غم و غم

سواع لالت و غم و غم و غم و غم و غم

صم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

و غم و غم و غم و غم و غم و غم

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

که گات سز کو پیشه بیاورد

جمع طبرستان و سیستان و اوث با نام کر

دیر دان بکیار اهن کسره بکیار نا

القطعة الرابع في بحر المحقق

تو د جمن سن سرخوش و قار

مفاعلی فعلات مفاعلی فعلات

تدوین الحرف

فرستادیم استی و سید

خود بل دامن جاس

قطار حسن و اول از اسرار

عبدالساژ

منه و بعضی

مولد مولود مولود

جانانہ معلیٰ

لَيْدُ عَمَلٍ غَيْرِ غَنِيٍّ فَاقُولْ

بسم فی و لرحیم علیہ

شفقت و دایره و فیت حیات

صحنه نامه قلم خام و اسکی

خیاط محیط بسوی خط سیم

حداقید باغ و حیات و خج شفتا

سفرجل آبی تقاح سب و قمار

کلی و نذر و کسیر اندک حسد

احی و کسیر شده ماه صد اثنان

ثلاث خمسی

ثلاث خمسی و پنج است

ولیک سدد و سبعة ثمانین

هفت و در هشت و خوار

چهار بیست و شش و بی

جوار بیست و شش و بی

جوشن و سستی و هفتاد و باز

دگر خدای و سستی و لایق

عقار و حو و ارج و مدام و قرضی

لحم دل اور فارس سوار و شکار

عرب به است صنوبر خلا و تار و سد
چه خلخله و فرصات و تار و سد

جو طح خنجر خنجر خنجر

جوانل شور کز شوخ و شکار
تصانف کفنی است چو دیک دلیز

لغا نفست کفنی کجا کجا

بطین نیر شکم با شوق و خجسته

بیشتر مرده

بیشتر مرده و هند و جمع چهار نازق
کلام طوق سخن

عقور کلبه کزده جل شتر و شتر
فصل صبا و صبا و صبا

شما ماعطری و عطر و عطر

هند و قصر و قصر و قصر

ملا سی جلست و جلست و جلست

رختی و رختی و رختی و رختی

و رختی و رختی و رختی و رختی

ذوالحاجه و سی خفیه و یقط بیدار

ن عوام تشبیه و کمال الغن و شوهر دو

مقام برده بار یک تکیه بنهار

مراجعه مشترک بر اجلا غنم

کتابی داند چنانچه او گفتار

قصیم دان چو خرمی است بخور

عليه قلوبنا وشواحيحنا

القط الخاص في مخرج الحديث

میرزا محمد

فيل و امه حصه جو و فقه كروه

خاندان احمد و حلقه ملوک و امیران

بنیرد فخر خاویز ای هندی ویر

و بحرحبت دکنی سفیدی ها که

مفعول على مفعول مفعول مفعول

سخوان زردی این قطعه فصل

سب
فی ربکم جمیع الخلق

واليد طفل ويجه اسم والديه ما

رحمت و باری

خانم خورشید الدین

و بعضی میگویند که این ریشه از ریشه فارسی است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
ما كنا لنهتدي لہ

م. دارم

نکاست باک جوی مهر تلخی بنهاک

جلی بدین بی سول سغیر

ملک فرشته فلک جیح و مشیری

شهاب و کوکب در آسمان اختر

فلق سفیری شفق و در ل

ز بلیب خورشید بلبت و د اختر

جل بر بقو تو و کاو عجلت

ملکه خرم طحال و کی سیر بر بند

و بگرد و ز دست او چو کبریا

بجو حوری

نکاست باک جوی مهر تلخی بنهاک

جلی بدین بی سول سغیر

ملک فرشته فلک جیح و مشیری

شهاب و کوکب در آسمان اختر

فلق سفیری شفق و در ل

ز بلیب خورشید بلبت و د اختر

جل بر بقو تو و کاو عجلت

ملکه خرم طحال و کی سیر بر بند

و بگرد و ز دست او چو کبریا

بجو حوری

بجو حوری

بجو حوری

نصف هجره را و مقصد محبر

اجاج تلخ تلخ پنهان مال شوق

فراتر و دلیلی صفت بود

شماره خونی بود مایع شواظ

زبان فمجه انگشت مایه خا

عین خیر و دقیق آمد امکان

ادام ناتوانی قند و سکر است

خادم شک توفیای دم الحام حکام

عنا حوالا

عنان دولتی منطق نظام

رگانه کنیز بوی کج و صریح

ستاره سینه جفا و تن اهنلو

شفاف جلیب و دها افتاده

حقه جلیب شط اسوجه

بلیک نک زبیر و سیله حله

ند یقینیه شید شناسی

القطعة السادسة في حبر الرمل

خط

نصف هجره را و مقصد محبر

اجاج تلخ تلخ پنهان مال شوق

فراتر و دلیلی صفت بود

شماره خونی بود مایع شواظ

زبان فمجه انگشت مایه خا

عین خیر و دقیق آمد امکان

ادام ناتوانی قند و سکر است

خادم شک توفیای دم الحام حکام

عنا حوالا

اگر چنانکه تخت از منشی ملغظم بود

بر بام نیست نیست چه جز ذکر کت گفت و شنود

فاعلات فاعلات فاعلات

چونکه دانستی که ایچر ملشود کی

مخضاج ایچر بنفخه سرخ

چون غلب انکوره و بکله خیر و عی

اصفر و فافع جبرین و قاسح

هست اخضر سیر و اضح شون و بوق

نخ او فرزند

جنود صحر

جنود صحر و جوی بود و
در این عالم و دوزخ
و این عالم و دوزخ

هست حساب سنگ پنهان ما و ابجد

خود خشتی جوده سنگ جوده تک

و عظم صیاق تحت بنویسند

غنی در عین است عین در

چون غنا دانستی سنا عین

طرح ایچر و بکله خیر و عی

فوم سیر و جلال الشیر

هستم دوق عستان

و این عالم و دوزخ
و این عالم و دوزخ
و این عالم و دوزخ

فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ
فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ
فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ

درد کرم دفع حاصل و جامع بود

القطره السابعة فتح الجحش

جود از بره عشا کبر کشا هندک

بجر مجت غوانو غل بنجر و حنک

مفاعلی فاعلی مفاعلی فاعلی

بلوی تاشوت علم و دامنک

سعال و فتر عت شتالبت در

تصیر و کوة و طاسع فاعلی خلیق شک

هلال ما

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطاهرين
الجعاب
و بعد
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطاهرين
الجعاب
و بعد

هلال ما نواست قمر قمر

شعاع امزهر و صندب و شکوفه و شک

اشبح شکسته لحنه و لشیق و غل

اسئل و افطع اسئل و افطع

قتیل و کشته و اسئل و افطع

جوهه و د و نمر و نمر و نمر

غراب و نواست و نواست و نواست

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطاهرين
الجعاب
و بعد

هلال ما نواست قمر قمر

شعاع امزهر و صندب و شکوفه و شک

اشبح شکسته لحنه و لشیق و غل

اسئل و افطع اسئل و افطع

قتیل و کشته و اسئل و افطع

جوهه و د و نمر و نمر و نمر

غراب و نواست و نواست و نواست

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطاهرين
الجعاب
و بعد

سند فی الدین فراہی و اسکا اسباب مشکل
 قواد است قلب صاحب شاد دل
 چاکان دان و بالہر سوزن پیرا و اسکا

برین دہ دوی دیکو الحامی
 بیستی است قاشور و دیکو مشکل
 حصا اسبہ باشد و حوض

بود مہرکہ شتر چہ قرمل
 لیخت شہ عام او اوجہ چتہ
 عسرتی اساعوی مشکل

القطعة التاسعة فی بحر تقارب
 زان ابا عارضت و خیر شد ما
 کزن و خوار

کرت تقارب و داشتباہ

فولن فولن فولن فولن
 بخوانی و اینہ صبحا
 نمویہ حب انہ و کلاہ

طریق سبیل و صراط
 صی کوک شمع بر و لغتی
 دم جند طینی اسکر سبیا

عشای و مخفی قلنسو کلاہ
 غی و مسابا و کلاہ و شام
 عشای و مخفی قلنسو کلاہ

خوش باطن و اسباب
 خوش باطن و اسباب
 خوش باطن و اسباب

القطعة العاشرة من الحفيف
مدمونان قباب لقا
وزن بحر خفيف حسا زما

اصل اوون متنوی لطیف

كل شيء من الطريف ظريف

ای کو کیف چون اسم و او یا

فی دست علی بروم کنی

مخفی نا اشنا و آشنا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

اینا ہے جو حتمی ہر جا

انا جود اننى واتى من

ما جیوست من که ومع با

فليس قبل بلشي وعد رلي

لِيُصْرِفَ عَلَيْنَا مَا نَافَعُ

ص مكو مكنوع وضمها

لهم وليهم بيا

غير از برای انضمام باشند احوال قوم غير زيد بقوم و قوم جزايد

وَقَدْ وَرَّثَنَا وَرَثًا لِّسَانَا

من انرا ب سال اخره بفرو انهم که معا و زای مرد

انْتَ تَوَاتَرْتِ رَنَاحِي شَهَا

والله عز وجل اعرف
والله اعلم بالصواب

من مود و مود و زان زما باز نیست

ثم انجا و هیهنا اینجا

مردی هدی و هدی ای زن

مرد را دا و دوست با خدا

مرد صبحی رفت و صبحی قهق
طرفه زیبا قبیح ناز زیبا

مهل هستند با من و دهاخو

قلما اندک و بخ نیکا

القطعة العاشرة في الحب ومضى ذكره

زهی پیا

زهی پیا تو خوبان نهاده روی نیاز

قدح سر و تو عشاق را عمر دراز

مفاعلی فطالی مفاعلی مفاعلات

بلوی جنت خوشخوان تو در مقام جلد

رجا امید که است سوغ و جلد

روای نصف عدل و صبر و او

حضیض غار غور است جلد و جلد

لقاع رب و تلاست بخ و جلد

طعام خورنی فخر و جلد

بغیر از او

القطعة في انما عشر ههنا

عشاقی مفاعلی فطالی مفاعلی مفاعلات

زهی پیا تو خوبان نهاده روی نیاز

بغیر از او

بغیر از او

بغیر از او

بغیر از او

بغیر از او

بغیر از او

از سرخ مرق شوی با قولا قاز

قصید مفر سطر اول و مفر شکر

قدید قات و سمن فریه طویل در از
مخض دوق و لغت شیر کشته کشیز

کراغ با جتن و بصلای و بیار

سمنج و در مکه فان سفید خلی ستر

امید و اندر افغ با بر اندازی ز کمر در کار

ز عین فکده و با اسد و این افاد

قطع دان و حبه عینای فرغال

چنانکه مفر و طشت و تلسونها

چنانکه مفر و طشت و تلسونها

ابو الملاح جکا و ستر قیزه نام

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

چون کسی و صفر حرج و یاری

مفاعلی

ضمیر فکجه اندیشه شریک می راز

دینم سند و دغی نین هم بجای نینم

و سبیل هم ره بطل و نین و حجام راز

کلیم هم سخن است حیرم پیش

قرین نودیم بد هم شیک ابتدا

ایک هم خور هم کاسه سحر هم نام

د قیق یار و موافق عشق و هم سنا

دغی کشیده زاب و هم توشمشیر

چرا خندک تو ای بسینه پری

مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

مفاعلی مفاعلی مفاعلی مفاعلی

الفصل الاخر

احی صحت سره و خست ما تمام

سازد جگر ملی بار کج سیر مقام

فاغلا فاعلا فاعلا فاعلات

هجو یلی بعد از اینی قطع منج

مهر است و دصد و شش خطی نام

عقود سلامت لک و فاعلات

جنب بهلوجا هسانه نلهیا سطح نام

کون رنگ فیمج و باد غنی

اجبع انکشت لیلی ابهام انکشت نعل

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including phrases like 'فعلی' and 'فعلات'.

لغت شلم نقل تره زنج کشت لعل خلی

کوس خرفی خرمه دسته صعب و تمام

کون کونه فطمه کاسه قهره یک کا جام

نقره ضری دنوا نظر بخت بدی

خونخ صوا انکشت ضعیف و شکلی

ادعی السخا شاف سر حق

اجبره و من شوه باره غنیم طاوف

سقم بهاد متی شکر نینه

قبح و دم و مست و دم و ام و خنک

اجبع انکشت لیلی ابهام انکشت نعل

نعل و افعی و هر

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including phrases like 'فعلی' and 'فعلات'.

باز سبب است و وسطی نظر مختصراً
 و سبب است و سبب است و سبب است

حقی و ابا قاضی فی حق و سبب
 غرض بگو با مهادی و مزج و

عام و اولی سال السبع هفده
 سبت شنبه و سبت شنبه و سبت شنبه
 چون احوال شنبه شنبه و شنبه و

هست و سبت و سبت و سبت و سبت

نیمه شنبه و سبت و سبت و سبت
 بضع از سبت و سبت و سبت و سبت

طل و سبت و سبت و سبت و سبت

جنت المأوی و سبت و سبت و سبت

کلین



کلین و سبت و سبت و سبت

و از کرد و سبت و سبت و سبت

مفعول مفاعلی مفعول

اخر و سبت و سبت و سبت

بسم عقب و سبت و سبت و سبت

اینها هر چیست و سبت و سبت و سبت

نه جفت نی که یا که و سبت و سبت و سبت

نیمه شنبه و سبت و سبت و سبت

با ام و سبت و سبت و سبت و سبت

در سبت و سبت و سبت و سبت و سبت

نیمه شنبه و سبت و سبت و سبت و سبت

بسم طیب و سبت و سبت و سبت و سبت

عبدالله و سبت و سبت و سبت و سبت

و از کرد و سبت و سبت و سبت
 مفعول مفاعلی مفعول
 اخر و سبت و سبت و سبت
 بسم عقب و سبت و سبت و سبت
 اینها هر چیست و سبت و سبت و سبت
 نه جفت نی که یا که و سبت و سبت و سبت
 نیمه شنبه و سبت و سبت و سبت
 با ام و سبت و سبت و سبت و سبت
 در سبت و سبت و سبت و سبت و سبت
 نیمه شنبه و سبت و سبت و سبت و سبت
 بسم طیب و سبت و سبت و سبت و سبت
 عبدالله و سبت و سبت و سبت و سبت

هوام را از ان عطبت

تائیا موغی نباشی اندر بی مضحکا

॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

وہاں سے لے کر آج تک

[illegible]

لشئوا النون نالوا صستكرو فادكر

ناو حاضاد و طاو غني و قاف

نه فلان مستوی الحیدر ابو نرگسی

اختلاف در دهر یکی است

فمن كان زنتا لم اسب هي ارب
البرق

الشيخ جت
فَضْلُكَ أَهْلُ بَيْتِكَ شَيْخُكُمْ

نامہ جاریہ موصوم در بیت

گفته خواهم تا ما بنویسد کار اندر می

مصطفیٰ بن محمد بن علی

حضر و سی و هشت و نود

من وکینه حق تعالی و کلام بیما

ایمان و خوف بعد از اسلام

دولت‌نشین

کاوین و حوین
بیع و جلع

کتابخانه

三

۱۵۹

سید

三

سریبند مخاض

لشکر و لشکر

حضرت علی

تجدید

في

مدیر مبادی

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page shows the binding of the book.

خط و شش از این بزرگ و شش

و نه صد است و نه و نه چل

مِنْجُ وَحِجْهِ لَيْسَ وَبِجْهِ
الْقَطْعُ الْآخِرُ فِيهِ

زهی بیت خوبی کل دعا غلبه خدا

فوت میرزا و خان بیابان

مفاعيل مفاعيل مفاعيل مفاعيل
محمد

بدان بحر هج اینو خوشی انقطه

لقد شانه معي روضه

زحیٰ مکی دیند مرغ و مندی بران

صمیم کرم نام لنگی عجیبی بلدی

علم و عالم عالم و کانا و اسی برهان

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

از این که

[illegible]

که مضارع آمدن است

جمع و فرقه و قوم و قبا و امت مضمر که
چون خطا قیله شکو و کله همه کله ای شایان
عداوت دشمنی و عداوت و عداوت
تلقا جهت قرانوی تلبان بیان است
صالح نکو طالع تکلفه مکه مدعی
الهمزة الزائدة المضارع مفعول زیاد المسوقه فاعلا مضمرات

نوعیت از مضارع بار کنه ای است
نقطه او چو کرمی کرد و نور است
مفعول فاعلا مفاعیل فاعلات
ای جهنم سیمین ای کاهن شکر لب
میواب ناو و ناو نام شجر و نخت
چون طلبت پناه و ملک شد سیر
ببینم و نهم و نهم و نهم و نهم
کل جمع

کل جمع و قاطع جملین است
ایم چهره و نهم و نهم و نهم و نهم
فتا خیار و سلق خفند و نهم
بهرین نفع بود نه اوقات و نهم
ببینم و نهم و نهم و نهم و نهم
دبا کد قرع و نهم و نهم و نهم
خنده و نهم و نهم و نهم و نهم
دنی و نهم و نهم و نهم و نهم
سکر مستی و نهم و نهم و نهم
نصوح و نهم و نهم و نهم و نهم
مبهم و نهم و نهم و نهم و نهم
مظلم و نهم و نهم و نهم و نهم
ایم و نهم و نهم و نهم و نهم

سکر مستی و نهم و نهم و نهم
نصوح و نهم و نهم و نهم و نهم
مبهم و نهم و نهم و نهم و نهم
مظلم و نهم و نهم و نهم و نهم
ایم و نهم و نهم و نهم و نهم
کل جمع

ماده شجاردده بود از خشتی

هاله است دار سیک چون افتاب

و هنر و هنر است بختی بختی
بلع دار برقع دار برقع دار و در کرم نر این برقع

ذلول و لذت خوان و هنر خوانی
بهر زال خوار بر سر

ابتکال و خداعت و طمع

و استکانت قطع و نزاری

قسم و حلف و پستی سون
این پستی نام مفرار از راه

هر که بفرست کند لغت
دقی و اهل فقه و مهارتی

یاس و هر شایسته و تویدی
مفران یا بدو ماز از اهل الدام زنده و زار

چون لفظ بطلاله بی کاری

قد کتی قطعه سک آبی

حقیقه پیشه

کبریا و ضاعتی
زینا طبع با اینک

حرفه پیشه جری سزاداری

نیمه و نیمه و نیمه و نیمه
دنب و قع است جزیه سر کینه

خوف و حیا است و حیا

عرف خفشی و عرف سبکی

مشک و مشک و مشک و مشک

ضرب جلد است عضو و مزون

نکته و نکته و نکته و نکته
این همه لفظ بفرست کند لغت

نقطه الاخری

و فقه و فقه و فقه و فقه

عبارت و عبارت و عبارت و عبارت

سفر و سفر و سفر و سفر
نقطه و نقطه و نقطه و نقطه

تفصیل از غنیمت

مخاتم و مکالمات فیله برانی

نوع صفتی و صفتی از حدیث و حدیث و حدیث

نیم و فادنا و فادنا و فادنا

برای دل و دل و دل و دل و دل و دل

نخل و نخل و نخل و نخل و نخل و نخل

جوان و جوان و جوان و جوان و جوان و جوان

چوکل و چوکل و چوکل و چوکل و چوکل و چوکل

فیبی و فیبی و فیبی و فیبی و فیبی و فیبی

هو و هو و هو و هو و هو و هو

الحمت و الحمت و الحمت و الحمت و الحمت و الحمت

لنا و لنا و لنا و لنا و لنا و لنا

بکر و بکر و بکر و بکر و بکر و بکر

از غنیمت

تفصیل از غنیمت

از غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت

فولا و فولا و فولا و فولا و فولا و فولا

خیز و خیز و خیز و خیز و خیز و خیز

بلا و بلا و بلا و بلا و بلا و بلا

شکر و شکر و شکر و شکر و شکر و شکر

نخل و نخل و نخل و نخل و نخل و نخل

جوان و جوان و جوان و جوان و جوان و جوان

چوکل و چوکل و چوکل و چوکل و چوکل و چوکل

فیبی و فیبی و فیبی و فیبی و فیبی و فیبی

هو و هو و هو و هو و هو و هو

الحمت و الحمت و الحمت و الحمت و الحمت و الحمت

لنا و لنا و لنا و لنا و لنا و لنا

بکر و بکر و بکر و بکر و بکر و بکر

از غنیمت

نبار سرک را بپوشید

ضرب و سها و ضف و فرغ و قفل

جبهه چکاد و صف و قفل و مضر

نیم خور و نیم کله

اسم الی قلع و مجاری و نیم کله

نیم همای و نیم کله و مضا و در و نیم کله و شیر و حل

درز آیدن و نواز

ادش غرض و نیم کله و نقطه و نیم کله

انبر و مضر و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

مطبخ و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

انقیته و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

مربخ و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

علا و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

ملح کشتی بان

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله
نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله
نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله
نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

القطر الاخر

جبهه و مضر و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

سوی خیمه ای الا مکر

کای کای و کای و کای و کای و کای و کای

القطر الاخر

کای و کای و کای و کای و کای و کای و کای و کای

فرخ و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله

نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله و نیم کله



الح و طیب و عقیق لویا

این مهر معجزه آید
نعم و خوش جبار با و سدید سبوع
دعوی چنانه دشت غار بس
نعم و طاهر با و طبع از انعام است معجز

عجاست و در جوهر سرف

مثل و کفایت و شب و نهفتا
این مهر معجزه آید

ناس و انوشیروان و دیان

بدر و مادر و دیو و حوا

مرکز از و این مهر طهر آید
مطی اشتر و کتر حبه کوهان
تعلیفات و به و تقال بیا
بقی طهر و معجزه آید

خدا انکس و کنی عالی مراتب

کشف افغان و حجت کاتب
فرا زین و شمس و شمس
نعم و طاهر با و طبع از انعام است معجز

نعم و طاهر با و طبع از انعام است معجز